

مدیر کل

جلال الدین الحسینی مؤید الاسلام
صاحب امتیاز روزنامه هفتگی
و یومیه (جبل المتین)
*** (عنوان مراسلات) ***
طهران خیابان لاله زار
فاب مدیر میرزا سید حسن کاشانی
دبیر اداره آقا شیخ یحیی کاغالی
میراز روزهای جمعه همه روزه
طبع و توزیع میشود

یومیه

جبل المتین

۱۳۱۱

طهران

قیمت اشتراك سالیانه

طهران ۳۰ قران
سایر بلاد داخله ۳۵ قران
روسیه و قفقاز ۱۰ منات
سایر ممالک خارجه ۳۰ قرانك

*** (قیمت يك نسخه) ***
در طهران حد دینار
سایر بلاد ایران سه شاهی است

قیمت اعلان مطری
دو قران است

روزنامه یومیه مای آزاد سیاسی اخباری تجاری علمی ادبی حالات عام المنفعه

بامعنا قبول و درانتشارش اداره آزاد است

سه شنبه ۵ شوال المکرم ۱۳۳۵ هجری قمری و ۲۶ ابانماه جلالی ۸۲۹ و ۱۲ نوامبر ۱۹۰۷ میلادی

(وظائف عمده کابینه)

درسه چهار روز قبل شروع در این عنوان نموده
گفته مهمترین وظایف این کابینه جدید دواست که
برنان و آب مقدم و از خواب و خوراک واجبتر است
اول تأمین بلاد داخله و تنظیم ممالک و ایالات ایران زیرا
که امروز نجات و عدم نجات کفایت و بیگناهی ما تنها
بسته بهمین امر است در اول مشروطیت انهمه تحسین و
تمجید که عالم را بر کرد از ابتراء بود که بدون اختلال
وسلب امنیت و بی آنکه قتل و غارتی واقع شود تشکیل سلطنت
مشروطه و تاسیس پارلمان موفق شدیم خدا رحمت کند
پادشاه کبیر و مرحوم مشیرالدوله را که این تسکین و آرامی
از اثر حسن نیت و اقدامات اندو غفران سبب بود و
و اینهمه بدنامی و سرزنش و تفریق و تشدد داخله و خارجه
در این چند ماه اخیر مبنی بر عدم انتظام بلاد و خون
ریزی است پس بی شبهه اولین وظیفه کابینه استقرار امن
و امان است تا زبان بدخو اهان بسته گردد و مجال
جولان اجانب را باقی نماند و البته رفع اشرار قوه و
قدرت لازم دارد عرضه و کفایت میبخواهد با ملایمت و
نرمی و تمارق نمیسازد زیرا که طوری چیره و خیره
شده اند و بجز آبه و حدیث و کرور بند و اندرز
اندکی از فساد و شرارت دست برنمیدارند طبع انسان
بالطرح سرکش است لجام و دهنه میبخواهد منظم خیلی
چیزهای خوب دوست دارم که شما دارید وقتی دیدم
حساب درکار نیست فوراً با اموال شما طمع میکنم اینستکه
هتلا از اول دنیا تا کنون متفق اند که هیچ مملکت بدون
حکومت اجباری منظم نمیشود احدی بخودی خود زیر

بار قانون نمیرود چنانکه هیچ بارکش آرامی خود تن
ببارکشی نمیدهد باید عفا او را زیر بار آورد و خواهی
نخواهی مجبور بر قبول نمود اینکه بعضی پندارند شرارت
مختص الواط است غلط و بی ماخذ است جمیع طبقات
و هر صنف طالب استقلال و خود سری هستند حتی
بقال و نانوا تا زور درکار نباشد بحق خود قانع نمیشوند
ملا بوظیفه ملائی رفتار نمیکند اعیان حد خود را نمیشناسند
سختی لازم است درشتی و شدت میبخواهد همین رعایای
مفلوک بودند که بیچاره ترین افراد و طبقات میگفتیم
بمحض آنکه قدرتی دهنه راست دیدند از دادن مالیات
و مال الاجاره در بعضی نقاط سر بیچیدند بلکه بر ایثار رخانه
و بازار حمله نموده و هر چه یافتند بگارت بردند

و وظیفه دوم که در اهمیت و لزوم کمتر از اولی
نیست فراهم کردن پول است و این امر چندین شبهه
دارد یکی اصلاح بود چه مالیات که دخل با خرج
مطابق شود بلکه نظر به ملا حظات بسیار و خرجهای
فوق العاده که در يك مملکت قطعا واقع می شود باید
دخل را بر خرج فزونی داد عاجلا بهمین طور که در
کمسیون مالیه کرده اند بسیاری از خرجهای گزافی را
اسقاط نمود و در اول مرحله خرج را با همان دخل
سابق مقابل نمود بعد از آن شروع کرد به افزودن دخل
از مرهای صحیح و راههای حسابی مثلا بعد از تبدیل
علمی و ممیزی اسلاک نظما يك مبلغی بر دخل زیاد
خواهد شد و در مقابل باید بر قوای ملکی از همان
راه افزودن قشون منظم ترتیب داد و سر باز داو طلب
یا اجباری گرفت ، ایجاد تمبر نیز در اول مرحله
لزوم است زیرا که بلا و به زیاد شدن دخل باعث

تنظیم کلی در معاملات و دوائر دولتی و ملتی است چنانکه باصرار و ابرام جناب احسن الدوله در عرایض برقرار گردید، حقوق مدنی نیز لازم است گرفته شود چرا که با همین وضع، مشوش باز چندین معدن در ایرالت که فلز و غیره میدهد و جمعی در آنها مشغول کارند چون معدن فیروزه نیشابور و مس سبزوار و سرب حوالی زنجان و ذغال سنگ طهران و لاجورد کاشان و اگر آوردن رگ لاجورد خارج را قدغن کنند هر ساله زیاده از کرور لاجورد کاشان فائده خواهد داد و عشرش عاید دولت خواهد گردید، ماهی و صید مروارید و غیره نیز اگر منظم شود دارای اهمیت بسیار میشود و بعلی سالیانه فائده میدهد، برای حیوانات نیز لازم است راز صحیحی داده شود زیرا که رؤساء ایلات مثل اقبال الساطنه و دیگران هر سال بنام تشک و پشم و روغن و کوسند زیاده از چند و چون گرفته اند و خسته می کنند و بدین سبب ضرور بر داشته اطاعت از دولت و ملت مینمایند یکی از دوستان من صورت ماخوذی سنوی اقبال الساطنه را نوشته یاداره تقدیم کرده و چون بیفرض و مطلع از آنست و داد است خیلی من مطمئن بصحت حسابش هستم در آنجا عایدی یکساله او را زیاده از سیصد هزار تومان مینویسد بهمین سبب است که اقبال الساطنه پول نقد را شمش طلا کرده در بانک پروان نهاده بپوش منفعت کرایه بانک را میدهد - خلاصه آنکه فراهم کردن پول خیلی مهم است و یکشبهه اش بود چه است یکشبهه دیگرش از دید ثروت داخله است یعنی منابع ثروت را بکار بیاندازند و از آن مرها سالیانه مبالغی فائده عاید ملت و دولت شود یکی از منابع بانک است مملکتی که بانک ندارد اعتبار ندارد و زمام اختیارات در دست دولت خارج است چنانکه امروز اختیارات دولت ما در دست بانک روس و انگلیس افتاده هر ساعت بخواهند طهران را پراز پول کرده و هر دقیقه میل کنند لحظ پول در طهران میشود، چرخ تجارت بردن نمیکند مگر بقوه بخار بانک، امروز معیار پول ما بکف خارجه است ما نمیتوانیم پول خود را در یک قیمتی که میل و صرفمان باشد نگاه داریم زیرا که بانک نداریم (بورس) سرمایه حساس نداریم -

دیگر از منابع ثروت فلاح است که در ایران لایق ترقی زیاد است رودخانه هیرمند را که در سیستان واقع است نیل کوچک میگویند دره های حاصل خیز و اراضی منتهه ایران تالی اراضی امریکا است اهواز با مصر میتواند مقابلی بکند اگر درست متوجه هویم و لوازم کار را فراهم نماییم منابع فلاحی ماده برابر قطر مصری

خواهد بود انگلیس بعد از آنکه در مصر وارد شد و مالیه مصر را مختل دیدند در اصلاح امور فلاحی کوشیده در اندک سالی مصر را آباد نموده امروز حاصل پنبه مصر بعد از پنبه امریکا از اغلب مسالک بیشتر و اعتبارش زیاد تر است هر ساله سی میلیون لیره انگلیسی که از سیصد الی چهار صد کرور پول ایران باشد پول از فرنگستان در بهای پنبه وارد مصر میگردد و تجارتخانه های بزرگ در اسکندریه و قاهره دائر و هوج فوج از هر جهت بدان ملک وارد میشوند و بر ثروت وعده جمعیت میافزایند چنانکه سالیانه پانزده میلیون لیره بیشتر بود چه مالیه و دوازده میلیون جمعیت اجزا است و ایران اگر بدین نسبت آباد شود باید صد کرور نفوس و پانصد کرور تومان بود چه آن بشود قیمت اراضی فوق العاده ترقی کرده که یک متر مربع زمین در حوالی موسکی یکصد و پنجاه لیره یا هفتصد تومان تقویم میشود اراضی ایران بواسطه پستی و بلندی خیلی زود قابل آبادی است زیرا که آبرو زود تر و آسان تر میتوان وارد زمین نمود تنها در همه ایران پنج عشر سد بزرگ و قریب سی سد کوچک است که برای بستن آنها سیصد میلیون تومان کافی است دیگر آنکه همه قسم محصول در نقاط مختلفه ایران بعمل میآید و حاصلهای کرم سیری و سرد سیری را خوب تربیت میکنند همت وزیر فلاحات منتج آثار مفیده در این ملک میشود که در ابتداء باید دو سه امر جزئی را منظور نظر نموده صورت بدهد یکی آنکه تخمهای حاصلهای مختلفه که در ایران نیست از ولایات بییده آورده در جاهای مناسب دستور کاشتن بدهد دوم آنکه قدری در اسباب زراعت اصلاح را لازم دانسته مادیتهای مختصر تازه اختراع را در جای اسبابهای کهنه بکار بیندازند تقریباً اسباب فلاحی ما دو هزار و پانصد سال است که تغییر نکرده و حال آنکه در این مدت طولانی تمام اوضاع عالم مکرر تبدیل یافته است، تربیت مواشی نیز نهایت مهم است و بانگ دستور العمل و مواظبت تفاوت فاحش از این رهگذر میتوان حاصل نمود چرا باید ابریشم ما در ده قسمت دو قسمش اعلی و بقیه خشن باشد چرا باید پشم حیوانات لطیف و قابل استعمال برای ترمه و قالی و غیره نباشد و حال آنکه اینکارها کرور و ملوون خرج ندارد قشون و سپاه نمیخواهد دیگری از منابع ثروت وسائل اخبار و حمل و نقل است اینچایک مثال جزئی میزنم تا نمونه مطلب بدست آید و بیکره کار معلوم شود انگلیسها برای ارتباط با هندوستان و نقاط مشرق زمین مجبور بکشیدن

زنده باد اعیان حضرت را بلند کرده خوشوقت و خوشحال
 شده و گفته شد که روز دوشنبه صبح عموم و کلا
 حاضر شوند برای تعیین مذاکرات روز بعد اظهار شد
 که اعتبار نامه از اصفهان برای وکالت مصدق السلطنه
 رسیده و تلکرافات دیگر هم رسیده که ما او را انتخاب
 نکردیم مگر بواسطه تلکرافات خواهشانه از طهران گفته
 شد که شرایط وکالت در شخص ایشان موجود نیست
 یکی از آنها اینکه سن ایشان کمتر از سی سال است
 (مجلس ختم شد)

(لایحه حضرت والا فرمانفرما)

خدمت جناب مستطاب قدسی نصاب مدیر مختار
 جریده مقدس حبل المتین دامت برکاته زحمت میدهد
 (ماکل ما یتمنی المرء بذرکه)

(تجری الریاح بحالاً تشهی السفن)

در شماره یک صد و چهل و یکصد و چهل و یک روزنامه
 یومی حبل المتین جزو مذاکرات دارالشورای کبری
 شهید الله ارکانه شرحی راجع باذربایجان و حکومت این
 دوستان مذاکره و درج گردیده عیناً آن اعتراضات را
 عرض مینمایم و بعد میسارت بجواب میکند که کشف
 حجاب از چهره شاهد مدعا بشود نمره ۱۳۰ بعد از
 ختم مذاکرات حضرت مستطاب اجل محترم السلطنه
 دامت برکاته اظهار میشود عدم انتظام داخلی آذربایجان
 از فرمان فرماست و ایشان مسئول نظم آنجا میباشدند
 مجلس منتظر جواب تلکرافی است که وکلای آذربایجان
 نمودند که اگر از عهده بر نماینده استعفا بدهند نمره
 ۱۳۱ در خصوص مالیات آذربایجان و فارس مذاکره
 شد که این حکومت خود را مسئول مالیات نمیداند و
 وزیر مالیه هم میگوید من مسئول نیستم گفته شد که
 حکام امساله پیش سایر سنوات مالیات را در عهده
 گرفته اند و مسئول مالیات هستند وزیر مالیه هم مسئول
 مجلس است هر گاه نمیتوانند استعفا بدهند قرار شد
 وزیر مالیه و وزیر داخله را بخواهند در این باب
 مذاکره شود و گفته شد هر گاه این دو حکومت بخیل
 آمدن پایشخت برای مناصب عالیه میخواستند استعفا بدهند
 باید گفت که استعفاء از کایه مشاغل دیوانی بدهند و دیگر
 باین خیالات نمیشود که بمنصب عالیه نائل شد (خدایا
 زمین ممنا پرده بر دار) از آنجا که خیالات عالیه
 مطالبه کنندگان محترم جریده فریده از این بنده مشوب
 نشود مختصری از مطول و مجملی از مفصل راعض مینماید
 و تنها میکنم در جریده مقدسه درج فرمائید (اولاً) عدم
 انتظام آذربایجان را که بدوستان راجع میدارند عرض میکنم
 وقتی که بنده را برای حکومت آذربایجان انتخاب نمودند

چون واقعات مهمه این مملکت از تطاولات داخلی و
 خارجی پوشیده نبود همه روزه بواسطه تلکرافات و
 روزنامهجات اخبار اغتشاش این سامان در کابه نقاط عالم
 کوشزد جمهور اسم میشد و بطوری نبود که مخفی باشد
 از کابینه وزرای مشرک چند فقره مستدعیات خود را که
 علت غائی انتظام مملکتی بود عرض و استدعا نمودم
 چهار فوج و یکصد نفر فزاق و هفتصد نفر سوار برای
 اعاده نظم این مملکت خواستم مسئولم با جابت مقرون
 آمد و امر بحرکت این بنده بچاپاری شد که بفاصله چند
 روز این استعداد را حرکت بدهند و معجلاً برسانند
 منم بوظیفه وطن پرستی و ملت خواهی با کمال استظمار
 و امیدواری حرکت نموده باذر بایجان آمدم و صاحبان
 عقل سلیم و ادراکات مستقیم میدادند و قتی که بنده را
 برای آذربایجان با آن شرایط و اعتبار نامه که در عمل
 قشونی و مملکتی مبذول و باین خدمت انتخاب فرمودند
 و آمدم این حکومت مسلماً بتمام وزارت خانها تر ارجیح
 داشت ابدأ هوای وزارتی در سر نداختم عکس قصدم
 آمدن طهران و ارتقای رتبتی بالا تر از این مقام باشد
 (گنشت عیش جاویدان باخوان باد ارزانی)

(که من از فرقت یوسف سر بیت الحزن دارم)

با این همه شدت و التهاب در فرستادن استعداد و مواعید
 شتی الهی کنون از این افواج و سوار خبری نرسید
 و اثری ظاهر نشد حتی فوج خمره که تمام لوازماتی مہیا
 و در شهر خمره حاضر بودند و بقصتی نداشت از
 برای بنده فرستاده نشد و هر قدر تلکرافی بکابینه وزراء
 عرض کردم جوابی نساء و قاطع برای تعیین تکالیف
 این مملکت مرحمت نکردید که سر مشق اقدامات خود
 قرار دهم علاوه بر این موافق آیه کریمه (ای الله ان
 یجری الامور الا باسماها) اسباب کارم فراهم نبود و با
 فرج زعفر جزی هم تسمیه این اسورات ممکن نه
 بناء علی هذا با هزار گونه تدبیرات و لیت و لعل تا
 یک اندازه شهر را منظم داشته رشته کفدگویی ملاک و
 مباشرین و رعیت بوده که منج خبای تعقبات بود
 تایلک درجه مرتفع داشتم و نامه خوی و ماگورا که
 شرحش در کایه جرائد ثبت است اصلاح نموده طریق
 و شوارع را تایلک اندازه منظم داشته عابرین و مترددین
 با کمال رفاه حرکت مینمایند و بیش از این حسالت بی
 استعدادی از قوه بنده خارج و در صورتی مورد ایراه
 میکردم که لوازم انتظام به بنده مرحمت میشد و در
 اقدام بخدمت تسامح و تقاعد می ورزیدم (ثانیاً)
 متعرض است که مجلس مقدس منتظر جواب تلکرافی است
 که وکلای آذربایجان به بنده کرده اند نمیدانم حکام

تسلکرافت و تاکنون همچو تلکرای از وکلای محترم آذربایجان دایر بقبول حکومت یا عدم قبول زیارت نکرده که در مقام جواب بر نیامده باشد (ثالثاً) اعتراض شده است که مسئولیت مالیات را قبول نمی نماید عرض میکنم کی؟ چه وقت اصفای عرایض را نمودند و از بنده ترتیب عمل مالیات آذربایجان را پرسیدند که جواب لا ونم بدهم؟ گرازا نسبت بعمل مالیات آذربایجان کتبا و تلکرافا عرض نموده که مراد تلکرافاتنا بخواید اطلاعات خود را و اظهارات حکام جزء را که راجع بمالیات است عرض کنم تکلیف را معین فرمائید انوقت با کمال شرف و سعادت قبول خواهم کرد مالیات آذربایجان را ممکن است تا یکدرجه بشرایط و لوازم معین وصول نمود منتهی بعضی و اوج غیر منتظره را باید اصلاح فرمایند مثلاً از نوب مستطاب اشرفی والا شاهزاده امام قلی میرزای امیر تومان که از نوکر های محترم دولت جاوید آیت است مسئولیت و تقبل مالیات ارومی را میخواهم صورتی فرستاده است که قریب سی هزار تومان محل مالیات ارومی را عساکر عثمانی تصرف کرده و مالیات میکنند و در این بیبحث تسلکرافات کرده است که اغلب اظهارات تلکرافی مغزی الیه را عیناً بظهران عرض نموده ام حالا اگر قصد از تقبل مسئولیت بنده این است که اینگونه مالیات را هم تقبل نمایم پس چرا باسم مالیات آذربایجان بنده را مسئول مینمایند مالیات بصره هم را فرمائید مثلاً پیشکشی حکام جزو آذربایجان را که اغلب محلی جز تارکی و تکلیف نداشته و باصطلاح قدیم از بابت چوب و مالک بوده است و فصلاً جزو عمل مالیات کرده اند و من هم بر حسب تکلیف از حکام جزو میخواهم رشید الملک امیر تومان که حاکم اردبیل و مشکین و قراجه داغ و خلخال است کرازا درین تلکرای نوشته است در صورتیکه این وجوه که قریب شانزده هزار تومان میشود و محلی ندارد چرا پای من جمع میکنید و از چه محل بپردازم و تصریحاً استعفا مینمایید تلکرای او را مکرر در ذیل تلکرای خود عیناً درج کرده و بوزراء اظهار داشته و جوانی مرحمت نشد رشید الملک هم مالیات این چند محل را در این مدت ماه بدون مداخله گذارده است تا تکلیف او معلوم شود آیا مسئول یک همچو ما بله که حکام جزو آذربایجان مطرح مذاکره کرده اند باید من باشم ابدأ جوانی در این مقولات به بنده نرسیده و همه روزه عساکر عثمانی هم جلو می آیند و بر تخطیات خود میافزایند و جدان برادران وطنی خود را بشهادت میطلبیم و بمقدسات عالم قسم میدهم که گناه بنده در این مورد

چیست و چاره ام چه؟

(ما هی الدیار مجادب الامدی المتصوت)

(و اگر قصد الغزال و الفضل)

و گمنامی بنده از مشاغل دولتی است عرض میکنم (پسندم آنچه دلدارم پسندد) خدا را بشهادت میطلبیم که از بدو اساس مشروطیت با کمال شرف و سعادت خدمت نموده و نعمت نخواستہ و تا عمر دارم دست از ساحت این مشروع مقدس بر نخواهم داشت و روی نخواهم تافت و اگر عطف نظر بسابقات تاریخی ایران فرمائید خواهید دید که اغراض نفسانی و اختلافات نوعی ایران را باین مذلت و ویرانی رساند اقدام بنده که مطمئن نیستم (سهل باشد زبان مختصری) امیدوارم که در محکمه عدالت الهیه داد خواهی خود را بنمایم ز یادہ زحمت نمیدهد ۲ رمضان ۱۳۲۵ (عبدالحسین فرمانفرما)

(تسلکرافات خارجه)

از لندن روز نامه مقاله در مخصوص مأمور کردن کمیون مخصوص بجهة تحقیق وغیر رسی در مسئله کشیدن راه آهن به هندوستان میگردانند این خط باعث خواهد شد که از لندن بکراچی در مدت هفت روز و نیم پیموده شود و در صورتیکه خط راه آهن بغداد که متعلق بدولت آلمان است تمام شود و انمام آن خط یقیناً منافی با منافع انگلیس میشود این خط جدید در مقابل آن خط راه آهن مزبور اهمیت پانچویکی و اقتصادی و تجارتی خواهد داشت

وزیر خارجه روس مراجعت به پترزبورغ نموده است در پترزبورغ چند بن نفر منشیان اداره نظامی دستگیر حکومت کرد بدند پس از استنطاق معلوم کردید جمعی در صدد بودند که بوسیله نارنجک دار شوروی عسکری را در موقعیکه وزیر جنک حضور داشته باشد حراب نمایند

از لندن یکی از کشیشهای معروف کاتولیک در عیبجوئی ورد حکمی که در این اواخر جناب پاپ در تقبیح و توهین علوم و عقاید جدید صادر فرموده بودند نوقت و در روز نامه طیمس طبع نموده جناب پاپ بداز ملاحظه و اطلاع حکم بتکفیر کشیش مزبور صادر فرموده اند در صحنه زلزله قرا طاق بخارا اخبار مختلفه میرسد و از بعضی اطلاعات معلوم میشود که سه مرتبه زلزله متوالی شده و پس از آن بلا فاصله کوه فروریخته عدّه تلفات از هزار و پانصد نفر الی پنج هزار گفته میشود از لندن از اطراف برتیس جمهوری امریکار اصرار مینمایند که مجلس تکریم ملی را فوق الماده احضار و منعقد نمایند که در خصوص وضع حالیه مالیه مذاکرات نمایند

عهدنامه که در سنه ۱۸۵۵ بسته شده و هر ضمن

زنده باد اعلیحضرت را بلند کرده خوشوقت و خوشحال
 شده و گفته شد که روز دوشنبه صبح عوم و کلا
 حاضر شوند برای تعیین مذاکرات روز بعد اظهار شد
 که اعتبار نامه از اصفهان برای وکالت مصدق السلطنه
 رسیده و تلکرافات دیگر هم رسیده که ما او را انتخاب
 نکردیم مگر بواسطه تلکرافات خواهشانه از طهران گفته
 شد که شرایط وکالت در شخص ایشان موجود نیست
 یکی از آنها اینکه سن ایشان کمتر از سی سال است
 (مجلس ختم شد)

(لایحه حضرت والا فرمانفرما)

خدمت جناب مستطاب قوسی نصاب مدیر مختار
 جریده مقدس حبل المتین دامت برکاته زحمت میدهد
 (ما کل ما یتمنی المرء بدره)

(تجری الزیاح مالا تشقی السفن)

در شماره یک صد و چهل و یکصد و چهل و یک روزنامه
 یومیه حبل المتین جزو مذاکرات دارالشورای کبری
 شهید الله آرکانه شرحی راجع باذربایجان و حکومت این
 دوستان مذاکره و درج گردیده عیناً آن اعتراضات را
 عرض مینمایم و بعد مبادرت بجواب میکند که کشف
 حجاب از چهره شاهد مدعا بشود نمره ۱۳۰ بعد از
 ختم مذاکرات حضرت مستطاب اجل محتشم السلطنه
 دامت برکاته اظهار میشود عدم انتظام داخلی آذربایجان
 از فرمان فرماست و ایشان مسئول نظم آنجا میباشدند
 مجلس منتظر جواب تلکرافی است که وکلای آذربایجان
 نمودند که اگر از عهده بر نمیآید استعفا بدهند نمره
 ۱۳۱ در خصوص مالیات آذربایجان و فارس مذاکره
 شد که این حکومت خود را مسئول مالیات نداند و
 وزیر مالیه هم میگوید من مسئول نیستم گفته شد که
 حکام امساله پیش سایر سنوات مالیات را در عهده
 گرفته اند و مسئول مالیات هستند وزیر مالیه هم مسئول
 مجلس است هر گاه نمیتوانند استعفا بدهند قرار شد
 وزیر مالیه و وزیر داخله را بخوانند در این باب
 مذاکره شود و گفته شد هر گاه این دو حکومت بخیر
 آمدن بیایند برای مناصب عالی میخوانند استعفا بدهند
 باید گفت که استعفاء از کلیه مشاغل دیوانی بدهند و دیگر
 باین خیالات نمیشود که بمنصب عالی نائل شد (خدایا
 زمین ممانا پرده بردار) از آنجا که خیالات عالی
 مطالبه کنندگان محترم جریده فریده از این بنده مشوب
 نشود مختصری از مطول و مجملی از مفصل را عرض مینمایم
 و تمنا میکنم در جریده مقدسه درج فرمائید (اولاً) عدم
 انتظام آذربایجان را که بدوستان راجع میدانند عرض میکنم
 وقتی که بنده را برای حکومت آذربایجان انتخاب نمودند

چون واقعات مهمه این مملکت از تطاولات داخلی و
 خارجی پوشیده بود همه روزه بواسطه تلکرافات و
 روزنامهجات اخبار اغتشاش این سامان در کلبه نفاط عالم
 گوشزد جمهور امم میشد و بطوری نبود که مخفی باشد
 از کابینه وزرای مسئول چند فقره مستدعیات خرد را که
 علت غائی انتظام مملکتی بود عرض و استدعا نمودم
 چهار فوج و یکصد نفر قزاق و هفتصد نفر سوار برای
 اعاده نظم این مملکت خواستم مسئولم با جابت مقرون
 آمد و امر بحرکت این بنده بچاپاری شد که بفاصله چند
 روز این استعداد را حرکت بدهند و مجلا برسازند
 منم بوظیفه وطن پرستی و ملت خواهی با کمال استظهار
 و امیدواری حرکت نمود. باذر بایجان آمد و صاحبان
 عقل سلیم و ادراکات مستقیم میدانند وقتیکه بنده را
 برای آذربایجان با آن شرایط و اعتبار نامه که در عمل
 قشونی و مملکتی مبذول و باین خدمت انتخاب فرمودند
 و آدم این حکومت مسلماً بتمام وزارت خاتما تراجمیح
 داشت ابدأ هوای وزارتی در سر نداختم عکس قصدم
 آمدن طهران و ارتقای رتبتی بالا تر از این مقام باشد
 (گنشت عیش جاویدان باخوان باد ارزانی)

(که من از معرفت یوسف سر بیت الحزن دارم)

با این همه شدت و التهاب در فرستادن استعداد و مواعید
 شتی نمیکنون از این افواج و سوار خبری نرسید
 و اثری ظاهر نشد حتی فوج خسته که تمام لوازماتی مهابا
 و در شهر خسته حاضر بودند و مقتضی نداشت از
 برای بنده فرستاده نشد و هر قدر تلکرافی بکابینه وزراء
 عرض کردم جوابی نساء و قطع برای تعیین تکالیف
 این مملکت مرحمت نکردید که سر مشق اقدامات خود
 قرار دهم علاوه بر این موافق آید بربمه (ای الله ان
 یجری الامور الا باسبابها) اسباب کارم فراهم نبود و با
 فرج زعفر جنی هم تشریه این امورات ممکن
 بناء علی هذا با هزار گونه تدبیرات و لبت و لعل تا
 یک اندازه شهر را منظم داشته رشته کفکسکوی ملاک و
 مباشرین و رعیت بوده که منتج خرابی تقبذات بود
 تا یک درجه مرتفع داشتم و نامه خوبی و ماکورا که
 شرحش در کلیه جرائد ثبت است اصلاح نموده طریق
 و شوارع را تا یک اندازه منظم داشته عابراین و مترددین
 با کمال رفاه حرکت مینمایند و بیش از این حالت بی
 استعدادی از قوه بنده خارج و در صورتی مورد ایراد
 میکردم که لوازم انتظام به بنده مرحمت میشد و در
 اقدام بخدمت تسامح و تقاعد می ورزیدم (ثانیاً)
 متعرض است که مجلس مقدس منتظر جواب تلکرافی است
 که وکلای آذربایجان به بنده کرده اند نمیدانم حکام

تلگرافست و تاکنون همچو تلگرافی از وکلای محترم آذربایجان دایره قبول حکومت یا عدم قبول زیارت نکرده که در مقام جواب بر نیامده باشد (ثالثاً) اعتراض شده است که مسئولیت مالیات را قبول ننمایند عرض میکنم کی؟ چه وقت اصفای عرایض را نمودند و از بنده ترتیب عمل مالیات آذربایجان را پرسیدند که جواب لا ونم بدهم؟ گر از نسبت عمل مالیات آذربایجان کتبا و تلگرافاً عرض نموده که مراد تلگرافها را بخواهید اطلاعات خود را و اظهارات حکام جزء را که راجع به مالیات است عرض کنم تکلیف را معین فرمائید انوقت با کمال شرف و سعادت قبول خواهم کرد مالیات آذربایجان را ممکن است تا یکدرجه بشریط و لزوم معین وصول نمود منتهی معنی واضح غیر منتظره را باید اصلاح فرمایند مثلاً از نوب مستطاب اشرفی والا شاهزاده امام علی میرزای امیر تومان که از نوکرهای محترم دولت جاوید آیت است مسئولیت و تقبل مالیات ارومی را میخواهم صورتی فرستاده است که قریب سی هزار تومان محل مالیات ارومی را عساکر عثمانی تصرف کرده و مالیات میکینند و در این بیعت تلگرافات کرده است که اغلب اظهارات تلگرافی معزی آیه را عیناً بطهران عرض نموده ام حالا اگر قصد از تقبل مسئولیت بنده این است که اینگونه مالیات را هم تقبل نمایم پس چرا با هم مالیات آذربایجان بنده را مسئول مینمایند مالیات بصره هم را فرمائید مثلاً پیشکشی حکام جزو آذربایجان را که اغلب محلی جز تاری و تکلیف نداشته و با اصطلاح قدیم از بابت چوب و ملک بوده است و فصلاً جزو عمل مالیات کرده اند و من هم بر حسب تکلیف از حکام جزو میخواهم رشید الملک امیر تومان که حاکم اردبیل و مشکین و قزاق داغ و خلخال است کراراً درین تلگرافی نوشته است در صورتیکه این وجوهات که قریب شانزده هزار تومان میشود و محلی ندارد چرا پای من جمع میکنید و از چه محل بردارم و تصریحاً استمفا مینماید تلگرافی او را مکرر در ذیل تلگرافی خودم عیناً درج کرده و یوزراء اظهار داشته و جوابی مرحمت نشد رشید الملک هم مالیات این چند محل را در این هفت ماه بدون مداخله گذارده است تا تکلیف او معلوم بود آیا مسئول یک همچو مابله که حکام جزو آذربایجان مطرح مذاکره کرده اند باید من با هم ابداً جوابی در این مقولات به بنده نرسیده و همه روزه عساکر عثمانی هم جلو میایند و بر تخطیات خود میافزایند و جدان برادران وطنی خود را بشهادت میطلبیم و بقصدسات عالم قسم میدهم که کناه بنده در این مورد

چیست و چاره ام چه؟
(ما هی الدیار مجادب الاعدی المتصوت)
(و اگر قصد الغزال و الفضل)
و کهناسی بنده از مشاغل دولتی است عرض میکنم (پسندم آنچه دلدارم پسندد) خدا را بشهادت میطلبم که از بدو اساس مشروطیت با کمال شرف و سعادت خدمت نموده و نعمت نخواست و تا عمر دارم دست از ساحت این مشروع مقدس بر نخواهم داشت و روی نخواهم تافت و اگر عطف نظر بسابقات تاریخی ایران فرمائید خواهید دید که اغراض نفسانی و اختلافات نوعی ایران را باین مذلت و ویرانی رساند اقدام بنده که مصلحتی نیست (سهل باشد زبان مختصری) امیدوارم که در محکمه عدالت الهیه داد خواهی خود را بنمایم زیاده زحمت نمیدهد ۲۰ رمضان ۱۳۲۵ (عبدالحسین فرما فرما)

(تلگرافات خارجه)

از لندن روز نامه مقاله در مخصوص مأمور کردن کمیون مخصوص بجهة تحقیق و غور رسی در مسئله کشیدن راه آهن به هندوستان میگرداند این خط باعث خواهد شد که از لندن بگرانجی در مدت هفت روز و نیم پیموده شود و در صورتیکه خط راه آهن بغداد که متعلق بدولت آلمان است تمام شود و انعام آن خط یقیناً منافی با منافع انگلیس میشود این خط جدید در مقابل آن خط راه آهن مزبور اهمیت پانیکمی و اقتصادی و تجارتی خواهد داشت

وزیر خارجه روس مراجعت به پترزبورگ نموده است در پترزبورگ چند نفر منشیان اداره نظامی دستگیر حکومت کرد بدند پس از استنتاج معلوم گردید چه می در صدد بودند که بوسیله نارنجک دار شورای عسکری را در موامیکه وزیر جنگ حضور داشته باشد حراب نمایند

از لندن یکی از کشیشهای معروف کاتولیک در عیبجویی ورد حکمی که در این اواخر جناب پاپ در تقبیح و توهین علوم و عقاید جدید صادر فرموده بودند نوشته و در روز نامه طیمس طبع نموده جناب پاپ بدان ملاحظه و اطلاع حکم بتکفیر کشیش مزبور صادر فرموده اند در سانحه زلزله قرا طاق بخارا اخبار مختلفه میرسد و از بعضی اطلاعات معلوم میشود که سه مرتبه زلزله متوالی شده و پس از آن بلا فاصله کوه فروریخته عدده تلفات از هزار و پانصد نفر الی پنج هزار گفته میشود از لندن از اطراف بریس جمهوری امریکای اصرار مینمایند که مجلس ننگره ملی را فوق العاده احضار و منقذ نمایند که در خصوص وضع حالیه ماله مذاکرات نمایند

عمر نامه که در سنه ۱۸۵۵ بسته شده و هر ضمن

آن دولتین انگلیس و فرانسه متفقا استقلال شبه جزیره اسکند نوی را که شامل دولتین سوئد و نروژ است ضمانت نموده اند. دیروز در کریتستانیا (پای تخت نروژ) ضوَح و منفصل گردید و در عوض عهد نامه جدیدی بین دول نروژ و انگلیس و فرانسه و آلمان و روس بسته شده. و بامضا رسید که استقلال دولت نروژ مصون و محفوظ ماند (توضیح آنکه از سنه ۱۸۵۵ الی سه سال قبل مملکتین سوئد و نروژ در تحت سلطنت سوئد بوده و باینجه استقلال و تمامیت اندو مملکت راسا ضمانت کرده بودند در این اواخر که برودت و تقار بین دو مملکت حاصل شد بدون منازعه و خونریزی از همدیگر مجزا شده و اهالی نروژ پسر پادشاه دانمارک را که داماد سلطان انگلیس است بسلطنت خویش اختیار نمودند این است که عهد نامه قدیم منسوخ و منفصل و عهد نامه جدید در استقلال نروژ منعقد گردید)

(بقیه نظامنامه انجمن فتوت)

فصل دوم

(نظامنامه داخلی انجمن)

ماده بیست و دوم ترتیبات داخلی و تعیین ایام تشکیلات فوق العاده و حسن انتظام امور انشاء و دفتر داری و صندوقداری مطابق ترتیبی که در مواد مخصوص بوظایف آنها امدادات میشود و امضاء نوشتهجات صادره و باز کردن نوشتهجات وارده و ترتیب و مذاکرات و اخذ رای و امضا صورت مجالس با اتفاق هیئت حاضره و اخطار مذاکرات جلسه آتی بهیئات مز بوره بعهده مدیر و در غیاب او بعهده معاون مدیر است

(ماده بیست و سیم) کلیه مسائلی راجعه

بتحریر از قبیل انشاء و پاک نویسی نوشتهجات و صورت مجالس و ثبت اسامی حاضرین و غائبین هیئت اداره و دعوت اعضاء عمومی برای اجتماعات فوق العاده و ثبت و ضبط کلیه اوراق و اسامی اعضاء بعهده منشی و در غیاب او بعهده معاون است

(ماده بیست و چهارم) ثبت و ضبط کلیه امداد

و صورت دخل و خرج و کلیه حوالجات و مخلفات انجمن و انتظام امور دفتر خانه بعهده دفتردار است در اداره دفتر دو جلد دفتر مجلد با هم دفتر بوییه و سالنامه برای ثبت دخل و خرج باید باشد و تمام صفحه های آنها نمره داشته در صفحه اول آنها روز و تاریخ شروع و عدد نمره صفحه ها نوشته شده از طرف هیئت اداره ممضی و هر ماهی یکمرتبه از طرف هیئت مذکوره معاینه و کتبا تصدیق خواهد شد و فاصله سطر های آن دفاتر باید بیک میزان بوده و ابتدا تراشیدن و حک کردن در آنها جایز ندانند و اگر سهوا یک یا چند کلمه زیادی نوشته شود باید یک خط نازک روی آنها با مرکب

ثابت بکشند و اگر سهوا چند کلمه از قلم افتاده باشد باید فوراً در حاشیه نوشته شده و بامضاء هیئت اداره برسد

(ماده بیست و پنجم) ثبت و ضبط کلیه عایدات و مصارفات و حفظ آنها و حسن ترتیب و جریان امور صندوق بعهده صندوقدار است و هر چه بعهده صندوقدار میرسد باید بر طبق حواله کتبی هیئت اداره انجمن بامسئول ورجوع کند. بصندوقتحریریل میشود صندوقدار قبض وصول چاپی میدهد و بر طبق آن وصول کند باید در اداره ضبط شود قبض رسید با مهر انجمن بدهنده آن وجه داده شده و ضبط باورقی قبض صندوق داروانجمن لازم است

(ماده بیست و ششم) اجتماع عمومی در

روز های پنجشنبه و اجتماع هیئت اداره روز های یکشنبه و سه شنبه خواهد بود

(ماده بیست و هفتم) در صورتی که

یکی از اعضاء هیئت اداره هشت دهم متوالیا و بدون عذر مشروع غیبت نماید از درجه عضویت معافی خواهد بود

(ماده بیست و هشتم) شروع بدناکرات

و اخذ رای در موقع تشکیل هیات اداره وقتی خواهد بود که از نصف بیشتر اعضاء هیئت حاضر باشند در موقع سؤال و جواب نصف و هنگام رای کفراقتن باید دو نکت حاضر بشوند

(ماده بیست و نهم) هیچیک از اعضا

هیئت اداره بدون اجازه هیئت حق ندارند نوشتهجات انجمن را بکسی نشان بدهد

(ماده سی ام) اگر یکی از اعضا

انجمن بخواهند نطقی در انجمن نمایند لازم است قبل از وقت خلاصه نطق خود را به هیئت اداره نشان داده در صورت تصویب اقدام کند

(ماده سی و یکم) مواد این نظامنامه

عند الافتضا با کثرت آراء مؤسسين و اعضاء خصوصی قبل جرح و تعدیل است

(خاتمه)

هر يك از اعضاء این انجمن مؤسس و خصوصی و عمومی چهار دهم متوالیا در تشکیل هیئت عمومی حاضر نشود از عضویت معافی و بلیط عضویت او توقیف خواهد شد در ۲۶ رمضان ۱۳۳۵ (حسن الحسینی الکاظمی)